

# گهواره‌ی سبز افرا

## زندگی و شعر سیمین بهبهانی

نادعلی فلاح

شاید کم‌تر شاعری یافت شود که چون او بی‌ریا، زندگی‌اش را آفتابی کرده باشد». (ص ۱۳) به هر صورت بسیاری از ناگفته‌های زندگی‌اش گفته شد.

در فصل دوم به مسأله‌ی زن می‌پردازد. از جور و جفاهایی که زنان ایرانی به دلایل مختلف متحمل شدند و می‌شوند، یاد می‌کند و تغییر و تحولی که سیمین در طول زندگی یافت و به نوعی در شعرش اثر گذاشت، بحث می‌کند به خصوص تغییر در اندیشه‌ها و عقاید: «با تحلیل‌هایی که از نگرش زن‌مدارانه سیمین داشتیم، کاملاً هویداست که او یک فیمینیست لیبرال است و در اشعارش نیز همین‌گونه ظاهر می‌شود». (ص ۶۳)

شعرها و داستان‌های او که به نوعی با مشکلات و مصایب زنانه ارتباط پیدا می‌کند، تحلیل می‌کند: «در شعر او از حیای دخترانه تا طغیان و بی‌عاطفه‌گی زنانه، از خامی دخترانه تا پختگی مادرانه، از اسارت تا آزادگی، از رنج تا رهایی، از خودگرایی تا جامعه‌گرایی، انسان‌گرایی و... حوزه‌ی گسترده‌یی دیده می‌شود که زوایا و پیچ و خم‌های عاطفی روح زن را به نمایش درمی‌آورد و نگرش به مسایلی انسان را از این دیدگاه روشن می‌سازد». (ص ۷۶)

خواندنی‌ترین و جالب‌ترین قسمت کتاب، نظریه‌ی غزل است. نویسنده، درباره‌ی قالب غزل بحث می‌کند و نظریات دیگران را در باب قالب غزل بیان می‌دارد. محققان اعتقاد به آن دارند که غزل، از قصیده انشعاب یافته است و اکثراً به نگرش قالبی بودن غزل نظر دارند: «اما من چندان باور ندارم که شعر عاشقانه اصولاً ناشی از تغزل قصاید بوده و بعدها پدید آمده است. به گمان من شعر عاشقانه همیشه به نوعی وجود داشته است». (ص ۹۵) و در ادامه می‌گوید: اگر نظریه‌ی انشعاب و جداسدن غزل از قصیده را بپذیریم، تنها به‌عنوان یک قالب با محدودیت‌های ویژه‌ی آن شاید بتوانیم این نگرش را قبول کنیم: «یعنی یک قالب از قالب دیگر زاده شده است. اما از



عکس از ابراهیم سیسان

### یادداشت سردبیر

ما در ادبیات معاصر، دو سیمین داریم: یکی شاعر و دیگری نویسنده. هر دو هم در نزد اهل و ادب شناخته شده‌اند. اگر بگوییم سیمین بلافاصله می‌گویند: «سیمین بهبهانی یا سیمین دانشور؟» آن دیگر بستگی به گرایش آن خواننده به شعر یا به نثر دارد. در شماره‌ی بیست و یکم ماهنامه‌ی حافظ که تقریباً «ویژه‌نامه‌ی زنان» بود، پرتره آقای خانبلوکی از سیمین دانشور بر روی جلد مجله چاپ و شرح حال او هم در مجله درج شده بود. در این شماره مقاله‌ی درباره‌ی سیمین بهبهانی منتشر می‌کنیم.

□ کتاب گهواره‌ی سبز افرا، زندگی و شعر سیمین بهبهانی نوشته‌ی دکتر احمد ابومحبوب را در ۱۳۸۲ نشر ثالث چاپ و منتشر کرد. این کتاب از جمله نقدهایی در زمینه‌ی شعر و ادبیات است که نظرات و دیدگاه‌های جدیدی، چه در حوزه‌ی شعر و مسایلی مختلفی که ادبیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد و چه در زمینه‌ی آثار سیمین بهبهانی، بانوی شعر معاصر ایران، مطرح می‌کند.

کتاب از چهارده قسمت تشکیل شده است: در زندگی، زن، نظریه‌ی غزل، وزن‌های سیمینی، تأثیر و تطبیق، تلمیحات و اشارات، فرهنگ عامه، سنت و کلیشه، زبان، بیان و شکل‌های خیال، روایت، نویسنده و منتقد ادبی، غیر از این چهارده قسمت، قسمت‌هایی را به معرفی آثار سیمین براساس سال انتشار و گزینه‌ی اشعار و تصویر سیمین اختصاص می‌دهد. در پایان چهارده قسمت، یادداشت‌هایی بر آن‌ها افزوده است.

در فصل اول کتاب «در زندگی»، نویسنده خیلی به ایجاز و در عین حال کامل به زندگی سیمین می‌پردازد. هر چند «شاید هیچ یک از شاعران معاصر به اندازه‌ی او از زندگی‌شان نگفته‌اند و

نظر محتوا نمی‌توانیم چنین نظری بدهیم». (ص ۹۵)  
در عبارت بالا، دو نکته مطرح است: اولاً لفظ «شاید» نشان می‌دهد اگر قبول کنیم با شک و تردید همراه است: «زیرا هیچ دلیلی برای اثبات این امر وجود ندارد؛ اما دلایل عقلی و نقلی بسیاری برعکس آن نیز موجود است». (ص ۹۹)

نکته‌ی دیگر درباره‌ی محتواست، آن‌چه اهمیت دارد محتوا و درون‌مایه‌ی شعر است، نه شکل ظاهری آن. «همه‌ی مباحث عمده‌ی که پیرامون غزل می‌تواند مطرح شود، به‌طور فشرده بیان شد تا به این نتیجه برسیم که غزل را براساس مفهوم اصیل و اصلی‌اش باید شعر عاشقانه دانست؛ در هر قالبی که می‌خواهد باشد». (ص ۹۹)  
با توجه به نظریه‌ی قاطع دکتر ابومحبوب درباره‌ی غزل باید گفت بسیاری از دوبیتی‌ها و مثنوی‌ها و قالب‌های دیگری که به نوعی به مسایل عشق و عاشقی و هجران انسان می‌پردازد، شعر عاشقانه است. باز بسیاری از غزل‌ها که به این موضوعات نمی‌پردازند، نمی‌تواند غزل باشد شاید بتوان نام دیگری بر آن‌ها گذاشت.

در پایان، نظریه‌اش را این‌گونه تکمیل می‌کند: «بدین ترتیب باید غزل را هرگونه شعر عاشقانه غیرروایی به‌شمار آورد: شعر عاشقانه غیرداستانی. این تعریفی است که من از غزل دارم. اما اگر بخواهیم جدل را کنار بگذاریم و به سازش بگراییم، می‌توانیم محتوا را تغزل بنامیم و قالب را غزل... تغزل یعنی غزل گویی». (ص ۹۹)

شعر سیمین را این‌گونه تقسیم می‌کنند: «پس سیمین به لحاظ نوع ادبی و درون‌مایه‌ی شاعری با سه وجهه: ۱- غزل (عاشقانه) ۲- روایت (بیان ماجرا) ۳- جدل (اجتماعی و سیاسی)...». (ص ۱۰۰)  
در تاریخ ادبیات ما، دانشمندان و نقادان ادب جامعه، سبک‌های ادبی و قالب شعری را براساس عصر، دوره و شکل ظاهر تقسیم‌بندی کردند، در حالی‌که از نظر علمی و منطقی درست نیست. باید براساس موضوع، محتوا، اندیشه و تفکر تفکیک گردد. چه بسا غزلی داریم که اصلاً به مفهوم اصلی غزل به کار نرفته است و عکس قضیه هم صادق است.

یکی از مباحث بحث‌برانگیز جامعه‌ی ما از نیما تا به امروز «وزن» است. عده‌ی وزن را به‌طور کامل مردود می‌دانند؛ هر کس به سراغ وزن رفت به خصوص وزن سنتی (پیش از نیما) سنت‌گرا و عقب‌افتاده است و هر کس بدون وزن گفت مدرن و... می‌باشد. عده‌ی عکس این موضوع اعتقاد دارند و می‌اندیشند؛ هر کس شعر بدون وزن یا وزن نیمایی گفت، او از ادبیات قدیم آگاهی ندارد، باسواد نیست و... در مقابل این دو نظریه که نوعی افراط و تفریط را می‌پیمایند؛ نظریه‌ی است که شاعر باید فرزند زمان خودش باشد، حال در قالب سنتی یا قالب نیمایی: «فکر می‌کنیم که دیگر دوران تکرار مکررات - در هر قالب و شکلی که باشد - به سر رسیده است». ۱  
«در هر صورت یکی این را می‌پسندد و دیگری آن را» هر شعری که متعلق به زمان خودش باشد، خواننده زمان خودش را نیز دارد. (ص ۱۱۷)

در مبحث وزن که نویسنده به وزن سیمینی هم تعبیر کرده است، وزن را یکی از ابعاد زیباشناسانه شعر مطرح می‌کند: «در یکی از جنبه‌های هنر شعر بحث زیباشناسی آن است و یکی از ابعاد زیباشناسی نیز وزن و ریتم کلام است». (ص ۱۰۵)  
ایشان، وزن را مثل تصویر و دیگر عناصر شعری، یکی از امکاناتی

می‌داند که شاعر می‌تواند از آن سود ببرد. آن‌گاه به ویژگی‌های ریتمیک سیمین می‌پردازد که همه‌ی وزن‌های شاعر دارای دو ویژگی عمده است: «۱- گرفتن یک پاره از یک کلام عادی؛ ۲- تکرار کمیت و کیفیت آن پاره». (ص ۱۰۹) برای این ویژگی‌ها بحث جالبی می‌کند که چه‌گونه سیمین شاعر کلام شعریش را از یک کلام و جمله عادی و روزمره می‌گیرد و استفاده می‌کند: «چنین وزنی با همین ترکیب در گذشته‌ها در شعر، سابقه نداشته است». (ص ۱۱۱)  
ایشان، درباره‌ی وزن و تفاوت وزن و موسیقی، نظراتش را ارائه می‌دهد.

قسمت عمده‌ی این مبحث، درباره‌ی وزن‌هایی است که سیمین از آن ناخودآگاه استفاده کرد یا به عبارتی ابداع کرد: «از هر چه بگذریم، چه با این شیوه موافق باشیم و چه مخالف در این اصل که به هر حال یک عنصر سبکی برای سیمین است، هیچ تغییری حاصل نمی‌شود». (ص ۱۱۶) چرا که هیچ‌کس این وزن را بر سیمین تحمیل نکرده است، بلکه ذاتی و طبیعی وزن‌ها شکل گرفته‌اند و مهم‌ترین اصل این است که بر خواننده تأثیرش را گذاشت و می‌گذارد.

در ادامه‌ی این بحث به محور عروضی می‌پردازد. به‌طور آماری به تمام کتاب‌ها و وزن‌هایی که مورد استفاده قرار گرفته است و این وزن‌ها می‌توانند در چه بحری جای گیرند، مفصل شرح و بسط می‌دهد، جدولی ترتیب داده است گرایش شاعر به وزن‌های خاصی را مشخص می‌کند. جای نکته‌ی در این کتاب خالی است؛ شعرهایی که وزن جدید دارند یا تلفیقی هستند، اگر نام شعر با وزن جدید را می‌آورد، کتاب تکمیل‌تر می‌شد.

مؤلف درباره‌ی محور عروضی سیمین نظرش را این‌گونه بیان می‌کند: «اگرچه گفتیم سیمین مثلاً این وزن را استخراج کرده یا ترکیب کرده و وزن را به‌دست آورده است و همه‌ی این‌ها دلالت بر تصنع در وزن‌ها دارد؛ اما چنین نمی‌پندارم، این پژوهش‌ها و بررسی‌های ما از وزن است، اما حقیقت این است که وزن‌ها هیچ‌کدام آگاهانه به‌وجود نمی‌آیند؛ هر پاره از کلام را که تقطیع کنیم می‌توانیم به سادگی آن را در یک چارچوب عروضی قرار دهیم و بسنجیم و نامی هم برای آن برگزینیم». (صص ۱۶۲ - ۱۶۳)

«درباره‌ی شاعران، به عقیده‌ی من هرگز نمی‌توان ادعای استخراج کرد». (ص ۱۶۴) البته، منظور نویسنده از شاعر، شاعر حقیقی است. منتقد در جواب عده‌ی که وزن را برای شاعر دست و پاگیر می‌داند می‌گوید: «این امر در شاعران حقیقی و ذاتی صورت نمی‌گیرد و اغلب گریبان‌گیر شاعرانی است که با زور می‌خواهند شعر بگویند». (ص ۱۶۳) در ادامه می‌گوید: «هر چند بی‌وزنی نیز می‌تواند نشانه‌ی سرپوش گذاشتن بر ناتوانی‌ها باشد». (صص ۱۶۳ - ۱۶۴)  
بالاخره، وزن را یکی از نشانه‌های سبکی سیمین می‌داند: «روی هم رفته این ویژگی سیمین، یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها و خصایص سبک‌شناسی او است و شاید بتوان آن را نوعی ریتم ارکائیک متمایل به عصر حاضر و سخن امروز - پس از نیما - دانست». (ص ۱۶۶)

سیمین بهیچانی هم، در مقدمه‌ی کتاب **خطی ز سرعت و از آتش** می‌گوید: «هرگز به قصد قبلی، وزنی ترتیب نداده‌ام تا بر مبنای آن کاری انجام دهم». ۲ و در پایان همین کتاب، ۱۴۵ وزن را آورده است که بعضی قبلاً سابقه داشته و بعضی‌ها نداشتند. هم‌چنین دو وزنی دیگر آوردند که شماره نگذاشتند با این وجود می‌گوید: «ابداع



سیمین بهبهانی با آیدا شاملو (عکس از ابراهیم سیسان)

(ص ۳۱۳) مؤلف سیمین را یک غزل سرا می‌داند، البته با ویژگی‌های امروزی بودنش و اندیشه و دریافت امروزی‌اش. اما کاربرد قدیمی در شعرش کم نیست. آن‌گاه به تقسیم‌بندی کاربرد قدیمی بیان می‌پردازد: «۱- در حوزه‌ی واژگان؛ ۲- در زمینه‌ی نحو؛ ۳- در استعارات و ترکیبات؛ ۴- در قلمرو دریافت و احساس». (صص ۳۱۴ - ۳۱۵)

توضیح می‌دهند که بیش‌تر کاربرد قدیمی واژگان، نحو و ... در اشعار اولیه‌اش موجود می‌باشد، هر چه با تجربه‌تر می‌شود، از آن فاصله بیش‌تر می‌گیرد.

در جوابی کسانی که سیمین را کهنه‌گرا یا پلی میان کهنه و نو می‌دانند، می‌گوید: «... من سیمین را شاعری می‌بینم تحول ویژه‌ی خودش را داشته و مرحله به مرحله دگرگون شده و شکل یافته است». (ص ۳۳۱)

در قسمت زبان، نویسنده از بحث زبان‌شناسی وارد مقوله‌ی هنر می‌شود که چه‌گونه زبان از کلام عادی و حرف وارد شعر می‌شود و بار عاطفی می‌گیرد. حال این قسمت زبان، مربوط به ادبیات می‌گردد: «یکی از کارکردها و نقش‌های زبان، نقش ادبی آن است». (ص ۳۳۷) کارکرد ادبی زبان، در سه سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد: ۱- سطح گزینش واژگان؛ ۲- توازن؛ ۳- تخیل.

در سطح واژگان، ضمن آوردن مثال شعری، چه‌گونه قرارگرفتن واژگان در کنار هم و بار عاطفی هر واژه در جای خودش بحث مبسوطی عنوان گردید. بسیاری از واژگانی را که شاعر در شعرش خلق کرده است به‌عنوان نمونه آورده می‌شود. مگر نه این‌که شاعر حق دارد در زبان شعری‌اش خلاق واژه باشد، همان‌طور که خلاق معانی است. نکاتی که درباره‌ی واژگان و آنگاه معنای مجازی واژگان می‌کنند، جالب توجه است و چه‌گونگی وارد شدن شاعر از معنای اصلی به

وزن از نظر من، یک کشف است، نه یک آفرینش».<sup>۳</sup>

در فصل تأثیر و تطبیق، خیلی موشکافانه و دقیق بررسی می‌کند و تأثیر و تقلیدی که سیمین در شعرشان داشته است، با ذکر شعر و شاعر بیان می‌کند: «با همه‌ی این‌ها، در اقتباس‌ها و تأثیرهای سیمین نشانه‌ی تقلید صرف دیده نمی‌شود». (ص ۲۰۳)

در فصل تلمیحات علاوه بر این‌که به‌طور ایجاز و کامل درباره‌ی تلمیح و کارکرد آن صحبت می‌نماید، ابتدا تلمیحات سیمین را دسته‌بندی کرده، آنگاه درباره‌ی آن تلمیحات توضیح مبسوطی می‌دهد. یکی از قسمت‌های جالب و خواندنی کتاب همین قسمت است که نویسنده برای هر تلمیح شرح کامل و خواندنی می‌دهد، در ضمن علاوه بر آیاتی که در شعر استفاده شده است، بیان می‌شود، بلکه ترجمه‌ی آیه هم آورده می‌شود. در یک عبارت، تمام حرف‌های ناگفته را گفته‌اند. «در واقع هر حادثه شاخص اجتماعی و سیاسی به‌گونه‌یی در شعر سیمین بازتاب دارد و به وضوح خود را نشان می‌دهد و به‌صورت سندی ادبی برای آیندگان باقی خواهد ماند». (ص ۲۶۴) ایشان تلمیح را یکی از ویژگی‌های سبکی و عامل غنای تصویری شعر سیمین می‌داند که او را به سمت تمثیل و نماد سوق می‌دهد.

در قسمت فرهنگ عامیانه، مثل تلمیحات به توضیح کاربرد این عناصر در شعر و طبقه‌بندی آن می‌پردازد. اعتقاد عامیانه‌یی که سیمین از آن استفاده کرده است، برای هر کدام شرح جالب توجهی می‌دهند. ایشان کارکرد فرهنگ عامیانه را نه‌تنها منفی نمی‌داند بلکه مثبت ارزیابی می‌کنند که در آن مایه‌های جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسی هم وجود دارد.

سنت و کلیشه هم قسمتی از کتاب است که مطالب جالب و خواندنی دارد در هر قالبی و روشی که شعر گفته شود: «برای نبودن، مهم این است که دریافت و اندیشه‌ی نو و معاصر وجود داشته باشد».

معنای مجازی که ریشه در ناخودآگاه شاعر دارد و هم‌چنین کارکردهای جدید و تازه‌اش، شرح داده شد.

در توازن: «می‌توان توازن را تکرار یک الگو دانست». (ص ۳۴۶) در حقیقت این تکرار کلام را از حالت عادی خارج می‌کند و به سمت وزن سوق می‌دهد، این تکرار می‌تواند: ۱- تکرار الگوی هجایی؛ ۲- تکرار آوایی؛ ۳- تکرار واژه ۴- تکرار نحوی باشد. «اصولاً شعر سیمین، هر چه بیش‌تر متکی بر تقارن و توازن‌هاست بدین وسیله کلام خود را از نثر ساده و عادی دور می‌کند». (ص ۳۵۴)

درباره‌ی تخیل و کارکردهایش، فصل مجزا را انتخاب می‌کند که خیلی جالب توجه، درباره‌ی تخیل و عاطفه بحث می‌کند و شعر را مورد موشکافی قرار می‌دهد. چون سیمین به روایت متمایل است انکافی تخیل وی بر محور عمودی است. نویسنده‌ی کتاب روایت را جزء تخیل شاعر می‌داند: «در واقع روایت نیز یکی از انواع صور خیال است...؛ اگر چه برخی روایت را جزء صور خیال نمی‌شمارند، اما من چنین نمی‌پندارم». (ص ۳۶۰)

در یک جدول آماری، بسامد کاربرد صور خیال، شعر سیمین را در تک‌تک کتاب‌هایش مورد کنکاش قرار می‌دهد. که یکی از قسمت‌های جالب توجه کتاب است که گرایش شاعر در صور خیال مورد بررسی قرار می‌گیرد: «در مجموعه‌ی آثار او اصولاً طنز جایگاه ویژه‌ی ندارد». (ص ۳۶۲)

در جدول شماره‌ی دو، آمار درصدی موارد جدول یک را عنوان می‌نماید که تغییرات گرایش‌های سیمین را در سیر تاریخی آثارش نشان می‌دهد. بعد نمادهای شعر سیمین را نشان می‌دهد کولی، زهره، ایلیخان، افرا و بودا که کولی خود سیمین است، البته این‌ها نمادهایی هستند که عمومیت بیش‌تری دارند.

به هر حال، عده‌ی که می‌گویند شعر سیمین چندان صور خیال ندارد، دکتر ابومحیوب دیدگاهش عکس این قضیه است. «در یک کلام (القای حس) محرک و برانگیزنده‌ی تخیل در خواننده است. من این (القای حس) را (تطابق عاطفی) تعبیر کردم، چرا که در صورت این تطابق، حس می‌تواند القا شود. شاعران بسیاری هستند که از این شگرد سود می‌برند و سیمین نیز در بسیاری از اشعارش همین‌گونه عمل می‌کند». (ص ۳۷۲)

فصل روایت، مبحث دیگری است که به‌طور مستقل بررسی شد و مثل همه‌ی مباحث با تعمق و مذاقه نظر است. از شعر حرفی سیمین به معناگرایی تعبیر می‌کند: «در شعر سیمین غلبه با معناگرایی است». (ص ۳۷۸) آن‌گاه درباره‌ی روایت و روایی، بحث می‌کند که هر دو زاده‌ی خیال شاعر یا نویسنده است به عبارتی شاعر یا نویسنده آن‌ها را خلق می‌کند که زبان شاعر به سمت سادگی، سوق پیدا می‌کند.

«روایت در شعر سیمین، به دوگونه خود را نشان می‌دهد. ۱- بیان یک حادثه؛ ۲- بیان یک گفت‌وگو». (ص ۳۸۱) ایشان تک‌تک شعر روایی سیمین را در کل آثارش به تفکیک بیان می‌کند. با یک معنی سیر صعودی و نزولی شعر روایی را در شعرهایش نشان می‌دهد که در ابتدای شعر و شاعری گرایش به روایی زیاد است، در آثار میانی‌اش کم‌تر است و در آثار آخری او رو به فزونی گذاشته است. شعر روایی سیمین به دو دوره تقسیم می‌شود: «۱- دوره‌ی رمانتیسیم؛ ۲- دوره‌ی رئالیسم با تمایلات سمبولیستی». (ص ۳۸۷) درباره‌ی هر کدام، نظر

کاملی را ارائه می‌کنند. تغییر و تحولاتی که شاعر از نظر فکری و مضمونی در شعرش پدید آمده است بیان می‌کند.

دو فصل آخر کتاب، به موضوعاتی پرداخته شد که برای خواننده تازگی دارد؛ چرا که سیمین بیش‌تر با شاعری شهرت دارد.

نکته‌ی اصلی در قسمت نویسنده‌ی آن است که مولف نظرش را این‌گونه بیان می‌کند: «وقتی می‌گوییم «نویسنده» مقصود کسی است که چیزی از خودش را در نوشته‌اش گذاشته باشد؛ کسی که ادبیات منتور بیافریند، داستان بنویسد». (ص ۳۹۹)

گفته‌ی بالا، عین این نظریه‌ی است که عده‌ی عقیده دارند: «ادیب کسی است که آفریننده اثر ادبی می‌باشد، یعنی؛ یا شاعر باشد یا نویسنده». مثلاً کسی که نقد می‌نویسد، ادیب نیست.

در فصل نویسنده، ایشان داستان‌های سیمین را تک‌تک عنوان می‌کند و چند سطر درباره‌ی آن توضیح می‌دهد و حلاجی‌اش می‌کند و معتقد است: «آثار نثر سیمین، اغلب نوعی اتوبیوگرافی است، با زبان ادبی وی حتا مایه‌ی اغلب داستان‌هایش را نیز از زندگی شخصی خود می‌گیرد. به جرأت می‌توانم بگویم بیش‌ترین اشخاص داستانی او پروتو تایپ هستند و همگی نمونه‌های بیرونی دارند...» (ص ۴۰۰)

در مجموع، نوشته‌های سیمین را ضعیف ارزیابی می‌کند اما زبان در داستان‌های او ساده و روان و اغلب متمایل به محاوره است و از قواعد جاری و عادی گفتار پیروی می‌کند؛ گفتار ساده. (ص ۴۳۱)

وقتی می‌گوییم نوشته‌های سیمین را ضعیف ارزیابی می‌کند؛ اولاً منظورم از نوشته‌ها، از نظر داستانی است؛ ثانیاً برداشت شخصی من است از تحلیل‌هایی که نویسنده‌ی کتاب بیان می‌کند.

نویسنده کتاب، زبان داستان‌های سیمین را در موارد زیر بررسی می‌کند: ۱- زبان نقل قول؛ ۲- زبان کل روایت؛ ۳- زبان توضیحات؛ ۴- زبان خاطرات. (ص ۴۱۵)

مؤلف، فصلی را به‌عنوان منتقد ادبی، اختصاص می‌دهد و نقدهایی که سیمین انجام داده است، بررسی می‌کند «به هر حال وی پس از طرح شعر کم‌تصویر و بخشی در تصویر کنایی، این نتیجه را می‌گیرد که هیچ اصلی بر شعر نمی‌تواند حاکمیت مطلق و بی‌منازع داشته باشد. این نکته‌ی مهمی است که برخی از منتقدان هنوز بدان نرسیده‌اند و تلاش دارند برای شعر و ادبیات تکلیف معین کنند». (ص ۴۳۰)

در نقد ادبی دکتر ابومحیوب به دو نکته در نقدی که به آثار دیگران داشت، اشاره می‌کند به ویژه اخلاقی: «۱- رعایت ادب و احترام؛ ۲- نکته‌یابی».

درباره‌ی نکته‌یابی او می‌گوید: «وی از جمله منتقدانی است که برداشت شخصی خود را تعمیم نمی‌دهد و شیوه‌ی داوری او واقع‌گرایانه است...» (ص ۴۳۵)

«شیوه‌ی نقد او، آمیزه‌ی دانش و ذوق است. نظریات ذوقی او اغلب زیبا، ظریف و هوشمندانه می‌نماید». (ص ۴۳۶) ■

## منابع

۱- بهبهانی، سیمین، **رستاخیز (مجموعه‌ی شعر)**، انتشارات زوار تهران، ۱۳۷۰، چاپ سوم، ص ۶. ۲ و ۳- بهبهانی، سیمین، **خطی ز سرعت و از آتش**، کتاب‌فروشی زوار، چاپ اول آذرماه ۱۳۶۰، ص ۲ - ۱ مقدمه‌ی کتاب.